

## بررسی علائم ظهور در اسلام و مسیحیت

### چکیده

پژوهش حاضر با عنوان (بررسی علائم ظهور در سنت اسلام و مسیحیت) یکی از مسائل ضروری دین اسلام و مورد توجه همه ادیان جهان است که از آن به آخرالزمان تعبیر می‌شود.

همه به آمدن یک منجی یا مصلحی معتقدند که خواهد آمد و جهان را از تاریکی، فقر، جهل و ظلم‌رهایی می‌بخشد و حکومت واحد جهانی را بر اساس مساوات و عدالت استوار می‌سازد؛ اما قبل از آمدن منجی یک سری حوادث رخ خواهد داد که نشانه و زمینه‌ساز ظهور است که در هریک از ادیان به برخی از این وقایع اشاره شده است.

طبق آیات قرآن کریم حکومت حضرت مهدی (عج)، حکومت جهانی خواهد بود که از وعده‌های الهی است؛ و در نظر مسیحیان هم در آستانه پایان یافتن جهان، حکومت هزارساله‌ی مسیح که با بازگشت او به وجود می‌آید با قیامی علیه او به پایان خواهد رسید.

در این تحقیق ضمن بیان نشانه‌های ظهور منجی در دو دین ابراهیمی به مقایسه‌ی مختصری از تفاوت‌ها و شباهت‌ها نیز پرداخته شده است.

**واژگان کلیدی:** علائم، ظهور، اسلام، مسیحیت.

## طرح بحث

در طول قرون و اعصار افراد سودجو و فرصت طلب از عطش همگانی مردم استفاده کرده ادعای مهدویت نموده‌اند و مشکلات تازه‌ای بر مشکلات مردم افزوده‌اند.

سؤال اصلی تحقیق علائم ظهور منجی در دین اسلام و مسیحیت چیست؟ این پژوهش با شیوه‌ی توصیفی و به روش کتابخانه‌ای نگاشته شده است.

پروردگار عالمیان برای پیشگیری از سوءاستفاده‌ی این شیادان پنج نشانه‌ی حتمی قرار داده است که پیش از وقوع آن‌ها هرکس ادعا کند ادعایش پوچ و مردود است. این نشانه‌ها به قدری شفاف است که هرگز بر احدی پوشیده نمی‌ماند.

اعتقاد به منجی و آینده درخشانی که به دست او رقم می‌خورد، ویژه اسلام نیست و بیشتر ادیان و مکاتب چشم‌به‌راه منجی و نجات‌بخش نویدند. مسیحیان نیز در انتظار بازگشت مسیح‌اند؛ و سعادت و حیات ابدی خود را در گرو بازگشت دوباره او می‌بینند.

کتاب مقدس به کرات به موضوع بازگشت مسیح (علیه السلام) پرداخته و چند باب کامل را به تبیین این موضوع اختصاص داده است. با توجه به همین حقیقت می‌توان رجعت مسیح را از مهم‌ترین تعالیم کتاب مقدس دانست.

در تحقیق پیشرو ضمن اشاره اجمالی به معنای لغوی و اصطلاحی لغت علائم مقداری به خود این علائم نیز پرداخته شده است؛ و در نهایت به بررسی مختصری از تشابه و تفاوت نیز نگاهی شد.

در این زمینه کتاب‌ها و مقالات بسیاری نوشته شده است: مثلاً کتاب علائم الظهور نوشته عبدالرحیم موسوی به انواع علائم، بعد اعتقادی و علائم ظهور در بین عامه و... پرداخته است.

این کتاب به زبان عربی است؛ و به ادیان دیگر پرداخته نشده است؛ و یا مقاله‌ای در این زمینه با نام موقعیت فرهنگی جهان از ظهور منجی تا وقوع قیامت از منظر اسلام و عهد جدید



نوشته منیره قضاوی، در آنجا با استفاده از روایات به بررسی اجمالی وضعیت دین، اخلاق علم، اقتصاد، بهداشت و... پرداخته تا از این طریق وضعیت فرهنگی آستانه ظهور منجی ترسیم شود.

## الف. علائم ظهور در منظر اسلام

یکی از مسائلی که روایات فریقین شیعه و سنی بر آن تأکید فراوان شده مسئله علائم ظهور امام مهدی (علیه السلام) در آخرالزمان است. این مسئله از مسائلی است که مورد افراط و تفریط بسیاری از مؤلفین و خطبا واقع شده است. برخی از آنان همه علائم را مورد توجه قرار داده و آن‌ها را در کتاب‌های خود نقل کرده و برای مردم با تفصیل فراوان بازگو می‌کنند و نسبت به آن اهمیت ویژه‌ای قایلند، بدون آن که در سند یا دلالت آن نظر یا دقتی نمایند.

برخی دیگر نیز در این مسئله تفریط و کوتاهی کرده و بحث از آن را نه تنها بی‌فایده می‌دانند، بلکه از آن‌ها به اوهام تعبیر کرده و طرح آن‌ها را در جامعه مضر می‌دانند.

«علائم در لغت جمع علامت از ماده عَلَم است؛ و مقصود از آن اثری است که به توسط آن چیزی دانسته می‌شود.» (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳: ص ۸۶۰) یا چیزی است که در جایی نصب می‌شود تا مردم به توسط آن هدایت یابند، مثل عَلَم لشکر و نشانه‌های راه‌ها.

در اصطلاح علم ملاحم و فتن کلمه علائم ظهور به هر اتفاقی که دلالت بر خبر غیبی دارد اطلاق می‌گردد که قرار است در آینده تحقق یابد تا آن که علامت و نشانه وقوع حادثه‌ای دیگر بعد از آن باشد؛ و در علم ملاحم این عنوان بیشتر اطلاق می‌گردد بر خبر دادن از علائم ظهور امام مهدی (علیه السلام) در آخرالزمان که نشانه‌ای بر نزدیک شدن ظهور آن حضرت است، مثل خروج سفیانی در شام و خروج یمانی از یمن و وقوع صیحه آسمانی. (رضوانی، ۱۳۸۵: ص ۳)

امام صادق (علیه السلام): «ان قدام القائم علامات تکون من الله عزوجل للمؤمنین.»

همانا قبل از ظهور مهدی علائم و نشانه‌هایی است از جانب خداوند برای مؤمنین. (ابن بابویه،

صدوق، ۱۳۸۲: ص ۶۴۹)



با تأمل در روایات علائم ظهور و بررسی همه جانبه علائم ظهور پی می‌بریم که نقل علائمی برای ظهور و نشر آن‌ها در میان جامعه اسلامی از آثار و فواید ویژه‌ای برخوردار است.

اینک به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

آگاهی امت از روایات ضلال و دعوت‌های انحرافی در زمینه مسائل عقایدی، سیاسی، اجتماعی و اخلاقی که قبل از ظهور اتفاق می‌افتد

از آنجاکه انسان غریزه و میل به شنیدن اخبار غیبی را دارد، با طرح اخبار غیبی واقعی و اسلامی جلو انحرافات فکری از ناحیه کاهنان و منجمان از این طریق گرفته خواهد شد.

اخبار غیبی از آن جهت که خرق عادت است از اهم دلایل نبوت و امامت است، لذا نشر آن‌ها سبب زیاد شدن یقین در قلوب مسلمانان خواهد شد

از آن جهت که کفار برای پذیرش اسلام به دنبال دلیل و برهان و معجزه‌اند، این‌گونه اخبار بعد از تحقق قطعی آن‌ها حجتی برای آنان خواهد بود.

تغییر سرنوشت ممکن نیست و آنچه خداوند متعال اراده فرموده است واقع خواهد شد، (البته مباحث مربوط به بداء و اثرات اعمال انسان‌ها مباحثی است که در اینجا مطرح نمی‌کنیم). اما دانستن حوادث قبل از وقوعش به رغم تشویش و دغدغه خاطر، باعث ایجاد آمادگی مناسب و توانایی لازم در برخورد با آن‌ها می‌گردد و بهره‌برداری بیشتر از اوضاع و کاستن از میزان کشته‌ها و خسارات را در پی خواهد داشت.

مثلاً کسی که از قبل می‌داند قحطی در پیش است برای آن روز اندوخته‌ای فراهم می‌کند و اگر از وقوع جنگی پیشاپیش مطلع گردد سلاح و پناهگاه و آذوقه لازم را تدارک می‌بیند؛ و اگر دانستن پیشاپیش حوادث مفید نبود، انبیا و ائمه (علیهم‌السلام) وقایع آینده را برای بشر پیشگویی نمی‌کردند. (رضوانی، ۱۳۸۵: ص ۴-۵)

برخی معتقدند که بحث از علائم ظهور بی‌فایده است؛ زیرا آن‌ها واقعیت نداشته و غالب روایاتش از ناحیه سند معتبر نیست؛ و نیز از ناحیه مضمون متوازن و معقول نمی‌باشد



برخی دیگر می‌گویند:

تطبیق علامات در خارج بسیار دشوار است؛ زیرا بسیاری از آن‌ها در تاریخ واقع شده ولی به جهت تشابه با یکدیگر انسان به طور یقین نمی‌داند که علامتی که در روایات به آن اشاره شده واقع شده است یا خیر؛ و از آنجاکه انسان هیچ‌گاه اطمینان به وقوع یا عدم وقوع آن ندارد لذا بحث از آن بی‌فایده است.

پاسخ:

اولاً: اینکه گفته شده اخبار علامات ظهور واقعیت ندارد مجرد ادعا است و مدرکی ندارد

ثانیاً: اینکه گفته می‌شود اخبار علامات ظهور از ناحیه سند معتبر نیست و نیز از ناحیه مضمون غیر متوازن و غیرمعقول است، این حرف نیز به طور کلی صحیح نمی‌باشد؛ زیرا بسیاری از اخبار علائم ظهور صحیح‌السند بلکه مستفیض و یا حتی متواتر است. اضافه بر اینکه تعداد بسیاری از آن‌ها مضمونی واضح و روشن دارند به درجه‌ای که در حکم نص صریح در موضوع خود است.

ثالثاً: ضعف در روایات اختصاص به روایات علائم ظهور ندارد، بلکه شامل اکثر ابواب سنت در بخش‌های مختلف می‌شود، آیا این مسئله باعث می‌شود که انسان محقق دست از بحث و بررسی آن بردارد؟ یا آن که وظیفه دارد که روشی صحیح در بررسی روایات انتخاب کرده تا به نتیجه‌ای مطلوب در این زمینه برسد.

و اما نسبت به اینکه در تطبیق علامات اشتباهات بسیاری صورت گرفته است، این امر گرچه صحیح است، ولی باعث نمی‌شود که دست از بحث و تحقیق برداریم، بلکه وظیفه داریم با به کار بردن روشی علمی و معتبر به طریقی صحیح برای تطبیق علائم در خارج دست یابیم.

در نتیجه: امور سلبی که برخی برای علائم ظهور ادعا می‌کنند، ناشی از خود علامات نیست؛ بلکه نتیجه فهم اشتباهی برای گروهی از امت نسبت به این علائم است. (رضوانی، ۱۳۸۵: ص ۹-۹)



## ۱. تقسیمات علائم

برای علامات ظهور تقسیمات مختلفی به لحاظ مختلف شده است.

الف) تقسیم به لحاظ زمان به لحاظ زمان علامات را به گذشته و حال و آینده تقسیم نموده‌اند

ب) تقسیم به لحاظ فاصله زمانی بین وقوع تا ظهور

ج) تقسیم به لحاظ نوعیت علامت به این لحاظ علائم بر دو قسم است اعجازی مثل خسوف

کسوف و طبیعی مثل اجتماعی سیاسی و...

د) تقسیم به لحاظ وقوع و عدم وقوع به این لحاظ علائم بر دو قسم است و تنها یک

تقسیم‌بندی در روایات بیان شده و آن تقسیم علائم به حتمی و غیر حتمی است

**علائم حتمی:** که به طور حتم و مسلم در خارج اتفاق می‌افتد. مثل خروج سفیانی

**علائم موقوف:** که معلّق است به شرط و خصوصیتی و ممکن است که محقق نشده یا در

آن تقدیم و تأخیر شود. (رضوانی، ۱۳۸۵: ص ۱۱-۱۲)

از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده:

«علائم حتمی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پنج مورد می‌باشد:

خروج سفیانی

وقوع زلزله در زمین بدهاء

خروج یمانی

ندای آسمانی

کشته شدن نفس زکیه» (ابن بابویه، صدوق، ج ۲، ص ۶۴۹)

در اینجا به علائمی که در روایات تکیه فراوانی بر آنها شده است اشاره میشود:



## – خسوف و کسوف

از نشانه‌های ظهور، کسوف در نیمه ماه رمضان و خسوف در آخر و یا اول همان ماه است. کسوف در روزهای نخست و روزهای آخر ماه و خسوف در روزهای میانی ماه، طبیعی و عادی است و در طول تاریخ، بارها و بارها رخ داده و از نظر علمی، خسوف و کسوف در روزهای یاد شده، پدیده عادی به حساب می‌آید و از دیرباز، منجمان، بر اساس محاسبه‌های دقیق ریاضی و نجومی، زمان گرفتن خورشید، یا ماه را در طول سال، پیش‌بینی می‌کرده‌اند، ولی خورشیدگرفتگی در وسط ماه یا ماه گرفتگی در اول و یا آخر آن، ظاهراً امری غیرعادی و رؤیت آن، امکان ندارد اما بنا به روایات اتفاق می‌افتد. (اسماعیلی، ۱۳۷۴: ص ۶۱)

## – صیحه و فزع آسمانی

این دو علامت نیز در روایات بعنوان علائم ظهور حضرت مهدی (علیه‌السلام) معرفی شدند.

## – ندای آسمانی

## – نزول باران فراوان

نزول باران گرچه به صورت طبیعی و عادی خواهد بود، ولی وقت و مقدار آن از برخی روایات استفاده می‌شود که به صورت اعجازی است تا آن اهدافی که از حکومت عالمی حضرت مهدی (علیه‌السلام) است به توسط این باران تأمین شود.

## – خروج دجال

خروج دجال و مقابله او با حضرت، در برخی از روایات مورد تأکید قرار گرفته است. خروج دجال از جمله ویژگی‌های زمان ظهور است که بسیار مورد تأویل قرار گرفته است. چراکه:

اولاً دجال نیرویی منفی قلمداد شده که در برابر حضرت مهدی قیام می‌کند و مدعیان دروغین مهدویت مخالفان خویش را دجال می‌نامند.



ثانیاً دجال دارای ویژگی‌های خاص و اعجاب‌انگیزی است که بسیار قابلیت تأویل را در آن گسترش داده است و آن را از موجودی شخصی به موجودی نمادین نزدیک ساخته است.

روایاتی که در مورد خروج دجال در آخرالزمان و قبل از خروج امام مهدی علیه‌السلام وارد شده بسیار است، ولی بیشتر آن‌ها در مصادر حدیثی اهل سنت یافت می‌شود و در مصادر حدیثی شیعه کمتر از این علامت یاد شده است.

روایات در این مطلب اتفاق دارند که خروج او از علامات قیامت است؛ و اینکه او متولد شده و از زمان رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) زنده است. او کسی است که کارهای خارق العاده و سحرآمیز انجام داده و در نتیجه مردم را گمراه می‌سازد. او کسی است که ادعای ربوبیت کرده و ... و در آخر امر، امام مهدی (علیه‌السلام) و حضرت مسیح (علیه‌السلام) و را خواهند کشت. (رضوانی، ۱۳۸۵، ص ۳۹-۴۰)

### - خروج سفیانی

در مصادر روایی شیعه سخن از یکی از علائم ظهور به نام خروج سفیانی به میان آمده است.

### - واقعه آرمگدون

برخی از اندیشمندان یکی از علائم و نشانه‌های ظهور حضرت مهدی (علیه‌السلام) در آخرالزمان را وقوع معرکه و جنگی به نام آرمگدون یا به تعبیر برخی از روایات قرقیسیا دانسته‌اند.

چنان که از روایات استفاده می‌شود قرقیسیا جنگی سنگین و گسترده است؛ اما هیچ‌گونه ربطی به آرمگدون ندارد. بعضی تلاش می‌کنند که آرمگدون را به قرقیسیا تطبیق دهند. در این زمینه دنیای غرب خیلی سرمایه‌گذاری کرده و فیلم‌هایی ساختند؛ اما از نظر جغرافیائی این دو محل، کاملاً از یکدیگر جدا هستند، قرقیسیا در شمال غربی عراق و از شهرهای فرات است؛





ولی آرمگدون در شمال فلسطین قرار دارد. (طیسی، ۱۳۸۸: ص ۱۴۷)

### - گذشته شدن نفس زکیه

در مصادر روایی شیعه امامیه در بخش علائم ظهور، به علاماتی اشاره شده شهادت نفس زکیه بین رکن و مقام در مسجدالحرام، از نشانه‌های حتمی ظهور است. در نسب نفس زکیه اختلاف است؛ گروهی او را حسنی و دسته‌ای او را حسینی می‌نامند. اما قطعی است که او سید و از خاندان پیامبر خاتم (صلی‌الله علیه و آله وسلم) است.

در احادیث او را غلام نامیده‌اند (جوان یا نوجوان). حضرت مهدی (علیه‌السلام) او را به مکه می‌فرستند تا از مردم مکه یاری بطلبد. او این کار را انجام می‌دهد ولی بدون هیچ گناه و اشتباهی به قتل می‌رسد و تنها دلیل کشتن او شفاهی بودن مطلب و اعلام یاری طلبی حضرت مهدی (علیه‌السلام) است. شهادت او ۱۵ روز قبل از ظهور حضرت مهدی (علیه‌السلام) است.

(صابریان، ۱۳۸۸: ص ۷۵)

### ب. علائم ظهور منجی در مسیحیت

مسیحیت تنها دینی است که از دل دین دیگری (یهود) بیرون آمد. این ویژگی ممتاز مسیحیت است. مسیحیت یک مذهب از مذاهب مختلف یهود است، ولی بنا به دلایلی آن را جدا و دین مستقل می‌دانیم.

پس می‌توان گفت: مسیحیان به لحاظ تاریخی با یهودیت مشترک هستند؛ یعنی پیشینه تاریخ یهودیت و مسیحیت یکی است و بزرگان تاریخی یهودیت همان بزرگان مسیحیت هستند، آن‌ها باورهای مشترک دارند؛ هر چه یهودیت معتقد است، مسیحیت هم اعتقاد دارد.

پس از عیسی بن مریم (علیه‌السلام) عده‌ای ادعای ماشیح کرده‌اند، اما هیچ‌کس به اندازه عیسی مطرح نشد و فقط ادعای عیسی علیه‌السلام به عنوان ماشیح، مطرح شد. پیروان او همین یهودیان بودند؛ زیرا بر اساس یک باور یهودی، منجی ماشیح شکل گرفت (تا اینجا مسیحی نداریم، همان یهودیان هستند)



## ۱. پیش‌گویی‌هایی در مورد ظهور مجدد مسیح (رجعت)

زمان آمدن مجدد مسیح در عهد جدید: زمان‌های متعددی را مطرح کردند. البته زمان دقیق را مشخص نکردند، بلکه شرایط آن زمان را مطرح و پیش‌گویی کردند گرچه شرایط آن زیاد است، اما به چند مورد اشاره می‌شود.

### - فراگیر شدن ایمان انجیلی

این تعبیر، معنایش غیر از تعبیر مسیحی شدن همه مردم است؛ زیرا این‌ها کاری ندارند که همه مردم در آخرالزمان مسیحی می‌شوند یا نه، بلکه می‌گویند این ایمان فراگیر و غالب می‌شود. این آلان محقق شده، یعنی اکثر مردم مسیحی هستند

### - باور عمومی ادیان به ماشیح بودن مسیح علیه‌السلام

یعنی وقتی عیسی مسیح (علیه‌السلام) دوباره ظهور می‌کند، زمانی خواهد بود که یهودیان به این باور عمومی رسیده باشند که او همان ماشیح است.

### - ارتداد اول

وقتی ارتداد اول اتفاق افتاد، منتظر ظهور مجدد مسیح باشید. پیش از مسیح و همراه با آمدن شخصی شریر، انسان هلاکت یا انسان گناه، این ارتداد اتفاق خواهد افتاد. تسالونیکان دوم: عهد اول واقع نشود و تا مرد شریر و...

### - به سخره گرفتن انتظار و منتظران

رساله دوم پطرسی می‌گوید: در آن زمان اعتقاد به رجعت مجدد مسیح را به تمسخر خواهند گرفت (معارف مهدوی، ۱۳۹۴: ص ۶۵-۶۴)



## – خروج دجال

اصل داستان دجال، در کتاب‌های مقدس مسیحیان آمده است. در انجیل، واژه دجال بارها به کار رفته و از کسانی که منکر حضرت مسیح باشند و یا پدر و پسر را انکار کنند، به عنوان دجال یاد شده است: دروغ‌گو کیست؟ جز آن که مسیح بودن عیسی را انکار کند. آن دجال است که پسر و پدر را انکار کند. کلمه دجال، در کتاب‌های مقدس و منابع دینی مسیحیان، به زبان انگلیسی انتی کریست (Chris Anti) آمده است، یعنی دروغ‌گو و حيله‌گر و این مطلب احتمال دوم را تقویت می‌کند (دائرةالمعارف ظهور، ۱۳۹۵: ص ۶۶۰۷)

دجال کسی است که در آخرالزمان ظهور می‌کند. و پرچم ضدیت و دشمنی با آموزه‌های عیسی مسیح (علیه‌السلام) را بر می‌افرازد. در انجیل این واژه تنها در نامه‌های یوحنا وجود دارد و از کسانی که حضرت مسیح و یا پدر و پسر رو انکار می‌کنند، به عنوان دجال یاد شده است.

در نامه اول یوحنا آمده است: «ای بچه‌ها این ساعت آخر است و چنانکه شنیده‌اید دجال می‌آید الحال هم دجالان زیادی ظاهر شده‌اند و این را میدانم که ساعت آخر است» (نامه اول یوحنا ۲: ۱۸)

## – واقعه آرمگدون

اهل کتاب از یهود و نصارا معتقدند که در کتاب مقدس سخن از معرکه و جنگی به میان آمده است که در آینده‌ای نه چندان دور تحقق خواهد یافت. جنگی که مطابق برخی از نصوص، زمان و مکان آن محدود و معین و دو طرف نبرد نیز به طور کلی مشخص شده است در رؤیای یوحنا (۸۸) می‌خوانیم: «بر تمام پادشاهان زمین می‌گذرد تا اینکه آنان را برای اجتماع به جهت جنگی عظیم گرد هم آورد... آنان را در مکانی جمع می‌کند که نام عبری آن آرمگدون است».

توهم اهل کتاب این است که دامنه این جنگ، تمام منطقه شمال فلسطین را که آرمگدون نام دارد، شامل می‌شود؛ و همچنان این جنگ تا جنوب فلسطین نیز کشیده می‌شود، به گونه‌ای که در این جنگ، بالغ بر چهارصد میلیون نفر شرکت می‌کنند و عمدتاً اهل عراق، ایران، لیبی، قفقاز و سودان هستند. به تصور اهل کتاب ریشه این حرکت از جنوب روسیه (ایران) سرچشمه می‌گیرد.



## ۲. حوادث عصر ظهور مسیح علیه السلام

آمدن مسیح با مقدسان قدسیان

جنگ به نام چاه مجدان یا چار مجدان

بسته شدن شیطان

نشستن مقدسان بر سربر قدرت و عزت حکومت خواهند کرد

آزاد شدن شیطان پس از هزار سال، دوره‌ای شیطان زنده می‌شود. وقتی مسیح می‌آید شیطان را

آزاد می‌کند، ولی شیطان دیگر نمی‌تواند کسی را وسوسه کند

داوری بر تخت سفید (قیامت کبری)؛ مسیح داوری می‌کند که چه کسی بهشتی هست و چه

کسی جهنمی.

نهایت پایان عالم؛ زیرا این عالم حیات جسمانی‌اش پایان می‌پذیرد و بعد از این دیگر مسیح و

پیروانش جاودانه خواهند شد و لذا دوباره به خدا ملحق می‌شویم و به او می‌پیوندیم. ما می‌گوییم

بهشت و آنان می‌گویند حیات روحانی و زندگی ابدی. (مکاشفه یوحنا، ۱۱:۱۹ و ۱۵:۲)

این علائم ظهور را چون چند نفر نوشتند مثلاً یوحنا با لوقا و یا با متی فرق دارد، می‌گویند این‌ها

قابل توجه است، مسیحا را هر دو پذیرفتند و فرق بین آن‌ها را هم پذیرفتند و توجه هر یک را هم

می‌پذیرند. امروزه دنیای مسیحیت، مسیحت پولسی غالب است و رساله‌ی پطرس را نمی‌پذیرند.

برخی می‌گویند رساله‌ی یعقوب را کنار می‌گذاریم زیرا مخاطب او یهودیان مسیحی است و لذا

شریعت را برای آن‌ها اصرار داشتند و رساله پطرس را مطرح می‌کنند زیرا در زمان او، مسیحیان امی

هستند که شریعت در آن مطرح نیست. البته برخی رفع اختلاف می‌کنند.

## ج. نقاط اشتراک و افتراق

با مراجعه به کتاب‌های مقدس مسیحیان نیز پی می‌بریم که نه تنها در آن‌ها سخن از ظهور

منجی در آخرالزمان به میان آمده، بلکه درباره خصوصیات و جزئیات آن نیز مطالبی بیان شده است



که با تأملی در آن‌ها می‌توان در بسیاری از موارد با آنچه در کتاب‌های مسلمانان در این باره آمده مطابقت کرده و به وحدت نظر رسید. نجات‌بخشی اسلامی و مسیحی، و حتی یهود در نقاطی باهم مشترک و در اموری باهم اختلاف دارند. در ذیل به اختصار به برخی اشاره می‌شود:

## ۱. نقاط اشتراک

### - مفهوم آخرالزمان

هر دو دین، در این مطلب اشتراک دارند که مراد و مفهوم از آخرالزمان، دوره‌ای از زندگی بشر است که ظلم و فساد از بین می‌رود و ظالمان و ستمگران، به جزای عمل خود می‌رسند و صالحان و مؤمنان وارث زمین می‌شوند. و اینکه در آخرالزمان حکومت الهی، تحقق می‌یابد و تا ابد بر زمین مستقر می‌شود. همه مردم نیز موحد و یکتاپرست می‌شوند.

هر سه دین، اعتقاد دارند که در آخرالزمان، اتفاقات غیرطبیعی و بی‌سابقه رخ خواهد داد. نیز معتقدند آغاز این دوره با آمدن منجی موعود آغاز می‌شود؛ اما درباره انتها و مدت آن به طور دقیق سخنی نگفته‌اند. (محمدی، ۱۳۸۸، ص ۲۶۲)

### - دجال

دجال یکی از نشانه‌ها و علائم ظهور حضرت مهدی (عج) خروج شخصی بنام دجال است. ظهور دجال در فرجام زمان به‌عنوان اصلی‌ترین دشمن آخرالزمان از آموزه‌های مشترک بین اسلام و مسیحیت است. رد پای دجال را از دو قرن قبل از میلاد مسیح در تورات و آموزه‌های موسوی و آنگاه در انجیل در آموزه‌های عیسوی و پس از آن در قرآن و روایات محمدی می‌توان یافت. (هدایتی و نورانی، ۱۳۸۵)

### - آرمگدون

با مراجعه به منابع توراتی و ایمان به پیشگویی‌های کتب محرف یهودیان، ظهور حضرت عیسی (علیه‌السلام) را مشروط به وقوع جنگی بزرگ، عالم‌گیر و هسته‌ای می‌شناسند و مرکز این



جنگ خانمان سوز را هم منطقه آرمگدون واقع در فلسطین اشغالی اعلام می کنند؛ و حسب همین پیشگویی ها وقوع جنگ آرمگدون را هم مشروط به تشکیل اسرائیل بزرگ و تسلط یهودیان بر کل سرزمین فلسطین و حتی فراتر از آن یعنی سوریه و عراق معرفی می کند. (رضوانی، ۱۳۸۴: ص ۵۲۸)

به همین دلیل است که برخی از سران دنیای غرب این زنجیره را به هم بافته و جنگ هایی در دنیای اسلام به راه انداخته اند و با تقویت تمام عیار اسرائیل مقدمات به اصطلاح جنگ مقدس را فراهم آورده اند.

### - وقایع کیهانی قبل از متن آخرالزمان

«امید به آینده ی جهان و بشریت در منابع دو دین آمده است و عده زیادی از مردم از بین خواهند رفت؛ حوادثی از قبیل سیل، زلزله، فرورفتن در زمین، قحطی، کمبود مواد غذایی، شیوع بیماری های مهلک و بی درمان، طلوع ستاره های دنباله دار، تاریک شدن آسمان و طلوع خورشید و خسوف و کسوف برخلاف قواعد نجومی و اینکه طبق بعضی از روایات، یک سوم مردم هلاک می شوند.» (محمدی، ۱۳۸۸: ص ۲۶۶)

### - وقایع کیهانی مربوط به متن آخرالزمان

«هر دو دین، اعتقاد دارند که اوضاع جوی و کیهانی عالم در آخرالزمان و بعد از آمدن منجی، بهبود می یابد و همه مردم و نیکوکاران، از مواهب آن دوره بهره مند می شوند. می توان موارد اشتراک را چنین برشمرد: آبادی و عمران شهرها، فراوانی نعمت، بارش باران به اندازه ای که عالم سراسر سبز شود، از بین رفتن و ریشه کن شدن بیماری های مهلک.» (محمدی، ۱۳۸۸: ص ۲۶۶)

### - امید

یکی از ویژگی های مشترک دو دین توحیدی، امیدواری به آینده است. هر دو دین، باوجود آن که در برهه ای از زمان، حوادث ناگوار و تلخ را پیشگویی کرده اند، امید به روشنایی و نجات انسان را



به امت‌های خود داده‌اند. البته ممکن است منشأ این امید، متفاوت باشد و در جزئیات نیز با یکدیگر اختلاف داشته باشند. امید به آینده روشن که برقراری حکومت الهی است، در ادیان ابراهیمی وجود دارد. در دین اسلام و مسیح، امید به آینده اختصاص به قومی خاص ندارد و جهانی است.

نقطه اشتراک بین دو دین، این است که در آخرالزمان حکومت الهی، تحقق می‌یابد و تا ابد بر زمین مستقر می‌شود. همه مردم نیز موحد و یکتاپرست می‌شوند.

هر دو دین، اعتقاد دارند که در آخرالزمان، اتفاقات غیرطبیعی و بی‌سابقه رخ خواهد داد. نیز معتقدند آغاز این دوره با آمدن منجی موعود آغاز می‌شود؛ اما درباره انتها و مدت آن به طور دقیق سخنی نگفته‌اند. در عهد جدید آمده:

«می‌گفت: وقت تمام شد و ملکوت خدا نزدیک است؛ پس توبه کنید و به انجیل ایمان آورید»  
(مرقس ۱: ۱۵)

همچنانچه میدانید این وعده حکومت صالحان، در عهد عتیق هم در مزامیر آمده و از آنجاکه مسیحیان هم به عهد عتیق ایمان دارند لذا این قسمت از مزامیر مورد اتفاق هر سه آیین است. «نیکان، دنیا را به ارث خواهند برد و تا ابد در آن سکونت خواهند نمود.» (مزامیر، ۳۷: ۲۹)

در قرآن آمده:

«اراده کرده‌ایم که بر کسانی که در زمین به استضعاف کشیده شده‌اند، منت گذاریم و آن‌ها را رهبران و وارثان قرار دهیم» (قصص / ۲۸)

## ۵. نامعلوم بودن زمان

بازگشت مسیح (علیه‌السلام) که از مهم‌ترین آموزه‌های عهد جدید است پس از طی شدن دوران عظیم مصیبت عظیم محقق می‌شود. بازگشت عیسی مسیح (علیه‌السلام) به منظور برقراری ملکوت الهی اتفاق می‌افتد که جز خدا کسی از زمان آن آگاه نیست. این روز ناگهانی و غیر منتظره است و عهد جدید لزوم آمادگی برای این‌روز را گوشزد می‌کند؛ و بازگشت مسیح (علیه‌السلام) را یگانه راه حل



برای ادامه حیات و زندگانی بر می‌شمرد. (قضاوی، ۱۳۹۳: شماره ۱۰)

در آیین اسلام نیز یکی از سؤال‌هایی که از گذشته تا امروز مطرح بوده است و همواره از امامان می‌پرسیده‌اند، سؤال از وقت ظهور آن حضرت است. از این‌رو، در این زمینه روایات زیادی به دست ما رسیده است. از آنجا که این مسئله اهمیت دارد، آن را در اینجا بررسی می‌کنیم.

وقت ظهور آن حضرت تعیین نشده و علم به وقت ظهور، از آن خداوند است و جز او کسی نمی‌تواند وقت ظهور را تعیین کند.

## ۲. نقاط افتراق

### - کاربرد آخرالزمان

در عهد جدید و آموزه‌های مسیحیت، معنا و مفهوم مشخصی از کاربرد آخرالزمان در بخش‌های مختلف انجیل‌های چهارگانه به دست نمی‌آید. آنچه این کلمه را تفسیر کرده زمینه‌های فکری - فرهنگی تصویرها و دریافت‌هایی از انجیل‌ها است؛ اما آنچه که به طور صریح در همه کتب مقدس آمده، رجعت عیسی (علیه‌السلام) از آسمان و از بین رفتن ظلم و گناه و رستگاری مؤمنان به خداوند و عیسی (علیه‌السلام) است. در کتب مسیحی آمده است که در آخرالزمان عیسی (علیه‌السلام) زنده می‌شود و با قوت و جلال، در حالی که سوار بر ابرها است می‌آید و بین مردم داوری خواهد کرد. عیسی (علیه‌السلام) مکرراً به مناسبت‌های مختلف، پایان جهان را نزدیک دانسته است.

اما همانطور که میدانیم در آموزه‌های اسلام، معنا و مفهوم مشخصی از کاربرد آخرالزمان به دست می‌آید و علائم و نشانه‌های حتمی برای این موضوع در روایات آمده است.

### - مکان

سؤالی که اینجا هست اینکه: آخرالزمان، آخرین قطعه این عالم است یا یک عالم جدا و به کلی متفاوت با این محیط می‌باشد؟ دیدگاه دو دین ابراهیمی، در این باره متفاوت است: «با مطالعه عهدین





پی می بریم که در دو دین یهود و مسیحیت منظور از آخرالزمان عالمی جدید با زمین و آسمان نو است یعنی مراد آن‌ها قیامت است. چون سخن از پاداش و بهشت و جهنم آمده است. مفهوم آخرالزمان در اسلام دنیایی و در نظر آن‌ها اخروی است.»

اما در نظر اسلام، آخرالزمان قطعه‌ای از همین دوره از عالم است که مسبوق به اتفاقات و حوادث گوناگون و غیرمترقبه و بی‌سابقه خواهد شد؛ ولی در نهایت، مقطع آخرالزمان همراه امنیت، آرامش و معنویت خواهد بود و با اتمام این دوره و به کمال رسیدن انسان‌ها و تحقق وعده الهی، عمر عالم به پایان خواهد رسید و از آن پس قیامت برپا خواهد شد.

در این دوران، اتفاقات نجومی و آسمانی خارق‌العاده‌ای واقع می‌شود؛ اما عالم به کلی دگرگون نمی‌شود و تبدل کامل، مخصوص آخرت و زندگی جاوید خواهد بود. (محمدی، همان، ص ۲۶۳-۲۶۴)

«يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ» (ابراهیم/۴۸)

در آن روز که این زمین به زمین دیگر و آسمان‌ها (به آسمان‌های دیگر) مبدل می‌شود و همه در پیشگاه خداوند یگانه‌ی حاکم بر همه چیز ظاهر می‌گردند.

«به نظر می‌رسد در این زمینه دین اسلام بر دو دین دیگر امتیاز و برتری دارد؛ زیرا قبل از اتمام این دوره و پایان جهان، باید حجت بر مردم تمام شود و دین خداوند کامل گردد و پس از آن، داوری خداوند صورت گیرد در ثانی، وعده‌های الهی که توسط پیامبران به امت‌ها و افراد مؤمن داده شده است، باید در این دنیا و قبل از آخرت محقق شود و زمانی فرا رسد که همه انسان‌ها، موحد شوند. مؤمنان در همین دنیا باید شوکت و عظمت دین الهی و نابودی کفر و باطل را مشاهده کنند. دلیل دیگر این است که اگر مفهوم آخرالزمان را تحلیل کنیم، در می‌یابیم که باید آخر همین عالم باشد؛ زیرا به قسمت نهایی یک چیز اطلاق می‌شود و آخرالزمان یعنی قسمت انتهایی زمان. در واقع، این عالم و زمان این دنیا، یک مجموعه در نظر گرفته شده که دوره آخر آن، اصطلاحاً آخرالزمان نامیده می‌شود» (محمدی، ۱۳۸۸: ص ۲۶۴)



از آنچه بیان گردید می‌توان دریافت که موعود مسیحی، شخصی و متعین می‌باشد؛ یعنی بنا بر اعتقاد مسیحیت، منجی موعود یک نفر خاص بوده و چنین نیست که هر کسی بتواند منجی باشد و لو شرایط برایش فراهم شود.

این موعود دارای نوعی وحدت با خدا تلقی شده است. از این نظر، واقعه نجات موعود در مسیحیت می‌تواند به نوعی تجلی خدا در زمین محسوب شود. گذشته از این‌ها، منجی موعود مسیحیت، از جمله موعودهای رجعت کننده است.

«نجات گری منجی موعود مسیحی، هم فردی، هم جمعی، هم معنوی و هم اجتماعی است. گرچه نجات بخشی فردی این موعود منوط به ایمان به او و محدود به ایمان آورندگان به وی است، اما نجات فرجامین و جمعی‌اش به هیچ رو قومی، ملی یا منطقه‌ای تلقی نمی‌شود. پس کارکرد او کیهانی است.» (جهانشیر، ۱۳۹۱: ص ۲۶۴)

لذا نقاط افتراق کیهانی و درون متنی و... دیگری نیز وجود دارد؛ که در حوزه وقت ما نمی‌گنجد.

چیزی که در اینجا مهم است به آن پرداخته شود اینکه: «آخرالزمان پایان همه چیز نیست بلکه ترمیم جهان است. گویی جهان ناگهان تعادل خود را بازمی‌یابد و به حالت اولیه بازمی‌گردد. همه آشفتگی‌های ممکن که اوجش در آخرالزمان است فقط در صورتی آشفتگی مطلق است که فی‌نفسه و با دیدی افتراقی ملاحظه شود. ولی چنانچه این بی‌نظمی‌ها در قبال نظم کل که سرانجام همگی به آن بازمی‌گردند، قرار گیرد جنبه منفی خود را از دست می‌دهد و جزو عواملی مقوم و به یک معنی فانی در مرحله ظهور می‌شود.» (دشتی، شماره ۳ دی ۱۳۷۶)



## نتیجه بحث

اعتقاد به ظهور منجی در آخرالزمان که جهانیان را از ظلم و ستم نجات می‌دهد عقیده‌ای همگانی در میان ادیان الهی است. در این زمینه پیشگویی‌ها و بشارت‌هایی نیز از انبیای الهی در کتاب مقدس داده شده است.

با وجود تحریف‌ها مسلماً بخشی از آنان ریشه در تعالیم وحیانی دارد چرا که وجوه مشترکی دارند. این پیشگوئی‌ها نشان‌دهنده‌ی این نکته است که مسئله ظهور منجی چنان با اهمیت بود که نه فقط از زمان ظهور اسلام که ۱۴۰۰ سال پیش بوده، بلکه قرن‌ها قبل از آن و از همان ابتدا، در کتب آسمانی، نوید منجی آخرالزمان آمده است و از حوادث پیرامون این واقعه‌ی مهم خبر دادند.

در میان این پیشگوئی‌ها در ادیان ابراهیمی، دین اسلام، شفاف‌ترین و گویاترین چشم‌انداز را از آخرالزمان به تصویر کشیده است و اطلاعاتی منسجم و دقیقی از روزهای واپسین عصر از تاریخ راه، در اختیار انسان قرار داده است.



## منابع و مأخذ

✽قرآن کریم

✽کتاب مقدس

۱. ابن بابویه، کمال‌الدین و تمام النعمه، منصور بهلوان، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۲

۲. بنیاد فرهنگی مهدی موعود، معارف مهدوی، قم، بنیاد فرهنگی مهدی موعود، ۱۳۹۴



۳. جهانشیر، موسی، موعود در آیین اسلام و مسیحیت، قم، موسسه مهدی موعود، ۱۳۹۱
۴. دائرةالمعارف ظهور اصول عقاید، اصفهان، موسسه فرهنگی و هنری جام ظهور، ۱۳۹۵
۵. رضوانی، علی اصغر، علائم ظهور، قم، مسجد جمکران، چاپ پنجم، ۱۳۸۵
۶. رضوانی، علی اصغر، موعودشناسی و پاسخ به شبهات، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۴
۷. راغب اصفهانی، مفردات راغب، ترجمه خسروی حسینی، قم، دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۶۳.
۸. صابریان، محمد، پرده‌نشین دلریا، بی‌نا، تهران، ۱۳۸۸
۹. طبسی، نجم‌الدین، تا ظهور، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه‌السلام)، ۱۳۸۸
۱۰. محمدی، محمدحسین، آخرازمان در ادیان ابراهیمی، قم، بنیاد فرهنگی مهدی موعود، ۱۳۸۸

#### مقالات

۱. اسماعیلی، اسماعیل، بررسی نشانه‌های ظهور، مجله حوزه سال ۱۲، شماره ۴-۱۳۷۴، ۵.
۲. دشتی، محمد، آخرازمان و امام مهدی (علیه‌السلام) شماره ۱۳، ۱۳۷۶
۳. قضاوی، منیره، جهان پس از ظهور منجی از منظر عهد جدید، فصل‌نامه ترویجی پژوهش‌های مهدوی سال سوم، شماره ۱۰، ۱۳۹۳
۴. هدایتی فاطمه، محسن نورانی، بررسی تطبیقی پیشگویی‌های آخرازمان در اسلام مشرق موعود، سال دهم، شماره ۳۸، ۱۳۸۵

